

Analysis on Principle of "Integrity of goods" in Imamie Jurisprudence and Iranian Law Emphasis on Rights of Consumer

واکاوی اصل «سلامت مبیع» در فقه امامیه و حقوق ایران با تأکید بر حقوق مصرف‌کنندگان کالا

E. Alimirzaei^{1*}, A. Khaledi²

اقبال علی میرزائی^{۱*}، علی خالدی^۲

¹. Assistant Professor of University of Kurdistan

^۱. استادیار دانشگاه کردستان

². Lawyer

^۲. وکیل دادگستری

Received Date: 2018/11/16

دریافت مقاله: ۹۷/۸/۳

Accepted Date: 2019/3/18

پذیرش مقاله: ۹۷/۱۲/۲۷

Abstract

One of the fundamental rights of consumers in relation to vendors of manufactured goods is the right to cancel a transaction or sue for exhibitory action, i.e. claim damages, in case the merchandise is defective. Therefore, in case the actual merchandise to be sold is not seen in a transaction (Kolli Felzammeh), and the supplied merchandise is proved to be defective, the customer is entitled to a replacement. Moreover, if the defective merchandise or service causes a harm to the consumer because of the said defect, the injured party is entitled to ask for compensation. Such a legal action would of course be contingent upon proof of defect. In the Iranian Civil Law, based on Imamie School, the merchandise is assumed to be in a condition of integrity at the time of the agreement. In case of a conflict, this principle requires the customer to be the claimant and the vendor to be the denier. Accordingly, the customer is required to prove that the merchandise was defective at the time of the agreement and that it belonged to the vendor. In line with contemporaneous situations and advanced legal systems, the Iranian Consumer Rights Protection Act (CRPA) of ۲۰۰۹ intends to restrict the Principle of Integrity of Merchandise. In the relationship between suppliers and Consumer; the contract does not presume the integrity of the merchandise. Rather, the statutory presumption is that the merchandise is defective, and it is the vendor who must prove the contrary, and the integrity of the merchandise.

Keywords: merchandise, proof, defect, integrity, consumers

چکیده

یکی از مهم‌ترین حقوق مصرف‌کننده در برابر فروشندگان کالاها، حق فسخ معامله یا اخذ ارجش در صورت معیوب بودن مبیع است. چنانچه مبیع کلی فی‌الذمه باشد و آنچه تسلیم شده معیوب درآید، اختیار تعویض آن برای مشتری وجود دارد. هم‌چنین، در صورتی که به واسطه‌ی کالای معیوب، خسارتی به مصرف‌کننده وارد شود، زیان‌دیده حق مطالبه خسارت دارد و اعمال حق مذکور فرع بر اثبات عیب است. به همین جهت، اهمیت موضوع اثبات عیب مبیع آشکار می‌شود. در حقوق مدنی ایران، به تبعیت از فقه امامیه، مبیع به هنگام عقد سالم فرض می‌شود و به‌این‌ترتیب، اصل بر سلامت مبیع از عیب و نقیصه (= اصاله الصحه المبیع) است. بنابراین، در صورت اختلاف بایع و مشتری، اصل مذکور اقتضاء دارد که مشتری مدعی و فروشنده منکر باشد. در نتیجه، مشتری باید وجود عیب مبیع به هنگام عقد و انتساب آن به بائع را ثابت کند؛ وگرنه علیه او حکم داده می‌شود. با وجود این، به نظر می‌رسد قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ به مقتضای نیازهای زمانه و هماهنگ با نظام‌های حقوقی پیشرفته، گرایش به محدود کردن اصل سلامت مبیع دارد؛ و برای حمایت از مصرف‌کنندگان، اماره قانونی «عدم سلامت مبیع» را تأسیس کرده است. پس، بائع باید خلاف این اماره را ثابت کند تا از تعهد خود مبنی بر تحویل کالای سالم بری‌الذمه شود.

کلید واژه‌ها: سلامت، کالا، اثبات، عیب، مصرف‌کننده

Email: e.alimirzaei@uok.ac.ir

* نویسنده مسئول:

درآمد

دنیای صنعتی قوانین و مقررات مخصوص خود را دارد و ضرورت‌های زندگی جدید مقررات مناسب می‌طلبد. بیشتر کشورها این ضرورت‌ها را دریافته و قوانین متناسب وضع کرده‌اند. در زمینه صنعت و تجارت، امروزه عرضه‌کنندگان کالاها، ابزارهای تولید و امکانات عرضه محصول را در اختیار و انحصار خود دارند و مصرف‌کنندگان برای تأمین مایحتاج ضروری زندگی مجبور به خرید و استفاده از کالاهای عرضه‌شده در بازار هستند. این نظام اقتصادی که موجب دو قطبی شدن جامعه شده است، اگر تحت نظارت و کنترل قانون قرار نگیرد، پیامدهای نامطلوب دارد و مصرف‌کنندگان را زیر سلطه سرمایه‌داران قرار می‌دهد. به‌منظور حمایت از آنان در حقوق ایران، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در سال ۱۳۸۸ به تصویب رسیده است. در نوشتار حاضر به مهم‌ترین مسئله‌ی مربوط به مقام اثبات و طرح دعوی از سوی مصرف‌کنندگان، یعنی اثبات عیب کالاها و تمیز مدعی از منکر در این موضع، پرداخته می‌شود. پیش از ورود به بحث اصلی، مفاهیم مقدماتی هم‌چون تعریف مصرف‌کننده، مفهوم عیب و ضمانت اجرای قانونی آن مطالعه می‌شود تا زمینه بحث اصلی فراهم شود. گفتنی است روش انجام این تحقیق، توصیفی-تحلیلی و از نوع تحلیل محتوا و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

۱. شناخت مصرف‌کننده و حمایت‌های قانونی از او

۱-۱. مفهوم مصرف‌کننده و حقوق قانونی او

به‌موجب بند ۱ ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان: «مصرف‌کننده هر شخص حقیقی و یا حقوقی است که کالا یا خدمتی را خریداری می‌کند». لیکن، این تعریف، از مفهوم عرفی و لغوی مصرف‌کننده دور است. در اصطلاح لغوی و عرفی، مصرف‌کننده همان استفاده‌کننده کالا است. به این مفهوم در قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶ توجه شده است. مطابق بند ۵ ماده ۱ قانون مزبور: «مصرف‌کننده: هر شخص حقیقی یا حقوقی که خودرو را برای استفاده ... در اختیار دارد». در تکمیل این مفهوم در بند (س) ماده ۲ قانون تجارت الکترونیک می‌خوانیم: «مصرف‌کننده: عبارت از هر شخصی است که به‌منظوری جز تجارت یا شغل حرفه‌ای اقدام می‌کند». براین مبنا، معیار تمیز و تشخیص مصرف‌کننده آن است که شخص کالا یا خدمتی را نه برای مقاصد حرفه‌ای بلکه به‌منظور رفع

نیازهای شخصی خود یا نزدیکانش خریداری می‌کند. یعنی ملاک، در اختیار داشتن کالا برای استفاده است و نه به قصد فروش یا تجارت.

نباید از نظر دور داشت که مصرف‌کننده مورد حمایت قانون شامل هر شخصی است که به واسطه استفاده و استعمال کالا دچار ضرر و زیان شده است؛ اعم از اینکه شخصاً یا از طریق واسطه کالا را از عرضه‌کننده خریداری کرده باشد یا اینکه از طرف خریدار کالا به سببی غیر از بیع به او واگذار شده و یا به هر نحوی در اختیار او قرار گرفته باشد. لیکن تمامی مصرف‌کنندگان از حقوق یکسان برخوردار نیستند. از این رو، حمایت‌های مذکور در ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان شامل: مطالبه عوض سالم یا استفاده از خیار عیب و یا اخذ ارزش، مخصوص خریداران است؛ و به همین جهت در ماده مزبور لفظ «مشتری» چندین بار تکرار شده است. مسئولیت عرضه‌کننده در برابر این دسته از مصرف‌کنندگان مسئولیت قراردادی است.

در مقابل، مصرف‌کنندگانی که رابطه قراردادی با هیچ عرضه‌کننده‌ای را ندارند و بر اثر استعمال کالا، آسیب می‌بینند، با استناد به قواعد ضمان قهری و الزام‌های خارج از قرارداد، زیان وارده به خود را مطالبه خواهند کرد. از اینان باید با عنوان «زیان‌دیده» یاد کرد. این قبیل اشخاص مطابق ماده ۱۸ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان، حق مطالبه خسارت از عرضه‌کننده را دارند. به موجب این ماده: «چنانچه کالا یا خدمات عرضه شده توسط عرضه‌کنندگان کالا یا خدمات معیوب باشد و به واسطه آن عیب خسارت به مصرف‌کننده وارد گردد متخلف [به] جبران خسارات ... محکوم خواهد شد». چنانکه ملاحظه می‌شود، در این ماده قانون‌گذار تغییر اصطلاح داده و به جای «مشتری» یا خریدار از مصرف‌کننده یاد کرده است تا بدین وسیله حمایت خود را شامل هر مصرف‌کننده‌ای بگرداند.

۲-۱. تعریف عیب کالا

چنان که پیش‌تر اشاره شد، مهم‌ترین حمایت قانونی از مصرف‌کنندگان کالاهای تولیدی مربوط به فرضی است که محصولات مزبور دارای عیب باشد. بنابراین باید مفهوم عیب را شناخت. قانون مدنی بدون اینکه مفهوم عیب را بیان کند در ماده ۴۲۶ مقرر کرده است: «تشخیص عیب بر حسب عرف و عادت می‌شود و بنابراین ممکن است بر حسب ازمه و امکانه مختلف شود». بنابراین، شناخت این مفهوم به عهده مفسران و مجریان قانون گذاشته شده است.

به نظر مشهور فقیهان امامیه، عیب هر شیء فزونی و یا کاستی از اصل خلقت و مجرای طبیعی آن است؛ اعم از اینکه فزونی و کاستی کمی باشد یا کیفی؛ و عیب مورد معامله، نقص و نقیصه در اوصاف آن است؛ اوصافی که در دید عرف لازمه کمال و سلامت محسوب می‌شود (خمینی، ۱۴۱۸، ۱/ ۵۲۹). شیخ انصاری در جهت تبیین و تحلیل مفهوم عیب، ضابطه عرف را مقدم بر وضع طبیعی اشیاء دانسته و معتقد است: اگر عرف جنسی را از حد متوسط نوع آن پایین‌تر بداند، آن جنس معیوب است (نقل از: دیانی، ۱۳۸۶، ۱۲۹). پیداست، چنین تعریف‌هایی بیشتر ناظر به اشیاء و محصولات طبیعی است تا کالاهای ساخته دست بشر. از این رو، در نقد آن گفته شده است: در مورد عرف، وجود سابقه و شناسایی عمومی شرط است. لیکن، عرف نمی‌تواند در مورد کالایی که برای نخستین بار به بازار می‌آید داوری کند (همان، ۱۴۹). گویا، برای احتراز از چنین ایرادهایی است که در حقوق برخی کشورها مانند ایالات متحده، در تعریف عیب، مفاهیمی مانند «نقص فیزیکی^۱» یا «عیب ساختی^۲» به‌کار می‌رود (Keith, 2006, 209) و کالایی که مصرف آن خطری احتمالی ایجاد کند معیوب به شمار می‌رود (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۲۱۲).

اما، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ معیاری دیگر برگزیده است. به موجب بند ۴ ماده ۱ قانون مزبور: «... منظور از عیب در این قانون زیاده، نقیصه یا تغییر حالتی است که موجب کاهش ارزش اقتصادی کالا یا خدمات گردد». این تعریف از نظر حقوق‌دانانی الهام گرفته است که قید «نقصان در مالیت» را در تعریف عیب مبیع لحاظ کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۵/ ۲۷۶). هم‌چنین، تأکید بر ضابطه «کاهش ارزش اقتصادی کالا» در تعریف عیب، توجه به حقوق مصرف‌کنندگانی است که خریدار محصول هستند. بی‌گمان، عیب کالا سبب به هم خوردن تعادل ارزش اقتصادی میان مبیع و عوض پرداختی در برابر آن می‌شود و این امر به ضرر خریدار تمام می‌شود. لیکن، در مورد مصرف‌کنندگانی که از عیب کالا آسیب دیده‌اند، توجه به این مفهوم از عیب کارگشا نیست. به منظور رفع این نقیصه قانونی، رویه قضائی می‌تواند به معیار نقص ایمنی که در حقوق بیشتر کشورها از جمله فرانسه پذیرفته شده (دیانی، ۱۳۸۶، ۱۵۰) توجه کند و از دیگر مقررات جاری کشور نیز یاری بگیرد. در بند (ز) ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو، در مقام تعریف عیب خودرو و خدمات مربوطه، به این

1. physical defect

2. Negligent design

نکته توجه شده است. به موجب بند یادشده: «عیب: زیاده، تقیصه یا تغییر حالتی است که موجب کاهش ارزش اقتصادی کالا و خدمات و یا عدم امکان استفاده متعارف از آن می‌گردد».

۱-۳. حقوق ناشی از خیار عیب

در قانون مدنی ایران مواد ۴۲۲ تا ۴۳۷ به بیان احکام خیار عیب اختصاص یافته است. قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان از این قواعد عمومی فاصله نگرفته است و در ماده ۲ قانون مزبور هماهنگ با قانون مدنی مقرر شده است: «... اگر موضوع معامله جزئی (=عین معین) باشد، مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند یا ارزش کالای معیوب و سالم را مطالبه کند و فروشنده موظف است، پرداخت کند...»؛ و در قسمتی دیگر از همان ماده آمده است: «... اگر موضوع معامله کلی باشد در صورت وجود عیب یا عدم انطباق کالا با شرایط تعیین شده، مشتری حق دارد صرفاً عوض سالم را مطالبه کند و فروشنده باید آن را تأمین کند...»؛ بنابراین، در هردو قانون، احکام خیار عیب مربوط به مبیع شخصی (= عین معین) است و در مبیع کلی راه ندارد.

اما، این نکته را باید به خاطر داشت، ماده ۴۳۶ قانون مدنی در خصوص قابلیت سلب مسئولیت‌های ناشی از عیب مبیع از عهده فروشنده مقرر کرده است: «اگر بائع از عیوب مبیع تبرّی کرده باشد به اینکه عهده عیوب را از خود سلب کرده یا با تمام عیوب بفروشد مشتری در صورت ظهور عیب حق رجوع به بائع نخواهد داشت...». لیکن، از آنجا که مقررات قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در جهت حمایت از مصرف‌کنندگان تصویب شده و از این جهت، جنبه امری دارد، در قلمرو اجرای این قانون، مقررات ماده ۴۳۶ قانون مدنی قابلیت اجرایی نخواهد داشت. هم چنان که شرط عدم مسئولیت فروشنده در مورد خسارت‌های ناشی از عیب مبیع به جهت مغایرت با روح قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان اعتباری ندارد (عبدی پور و پرتو، ۱۳۸۹، ۸). موافق با این دیدگاه است که در ماده ۴۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور تصریح شده است: «هر نوع توافق مستقیم یا غیرمستقیم و یا انعقاد قرارداد بین عرضه‌کننده واسطه فروش و مصرف‌کننده که به موجب آن تمام یا بخشی از تعهداتی که عرضه‌کننده بر طبق قوانین... بر عهده

۱. این نکته را باید افزود: ممکن است مشتری درخواست تعمیر کالای معیوب نماید. چنین حقی به موجب قوانین ما برای مصرف‌کننده شناخته نشده است؛ اما، مطابق دستورالعمل حقوق اروپایی حق «الزام به تعمیر مبیع» برای مصرف‌کننده، پیش‌بینی

دارد ساقط شود... در برابر مصرف‌کننده باطل و بلااثر است». ماده ۷ دستورالعمل حقوق اتحادیه اروپا همین قاعده را پذیرفته است. پیش از آن نیز در حقوق فرانسه، به موجب بند ۱۵ ماده ۱۳۸۶ قانون مدنی اصلاحی ۱۹۹۸ شروطی که از مسئولیت تولیدکنندگان بکاهد، باطل اعلام شد (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ۱۹۰).

۲. حمایت از حقوق مصرف‌کننده در مقام اثبات

۲-۱. مقدمه: اصل سلامت مبیع و مبنای آن

قانون مدنی ایران در این باره حکم صریحی ندارد. از این رو، به پیروی از اصل ۱۶۷ قانون اساسی باید سکوت و نقص قانونی در این موضوع به یاری منابع معتبر فقهی و اصول حقوقی برطرف شود. چنان‌که بیشتر فقیهان و نویسندگان حقوقی دریافته‌اند: به هنگام انشای عقد، مورد معامله در نظر متعاملین در «هیبت کمالی آن به لحاظ خلقت اولیه» و یا «به صورت طبیعت عرفی آن» مورد تصور و تصدیق واقع می‌شود و در صورت اطلاق عقد، به موجب عرف و سیره عقلا این تصور ذهنی به طور ضمنی وارد قصد مشترک می‌شود (حلی، ۱۴۰۸، ۲ / ۱۹۰). بر این مبنا، شرط سالم بودن مبیع - و یا به طور کلی مورد معامله - در عقد، تأکیدی بیش نیست؛ بدون اینکه عقد با فقدان شرط مزبور مقتضی سلامت مبیع نباشد (امامی، بدون تاریخ، ۱ / ۵۰۱). به دیگر سخن، اصل سلامت مبیع که مبنای ایجاد خیار عیب است و به عنوان عرف و سیره عقلا پذیرفته شده است اقتضا دارد که خریدار جاهل بر عیب مبیع، با تصور اینکه مبیع سالم است آن را می‌خرد؛ بنابراین، چنانچه در واقع، مبیع معیوب باشد، به سبب عیب مزبور و به استناد خیار عیب می‌تواند ضرری را که متحمل شده است دفع نماید. یعنی با اثبات عیب مبیع، معامله را فسخ کند و ثمن پرداختی خود را دریافت دارد و یا به اختیار خود مبیع معیوب را قبول کرده و ارزش عیب آن را بگردد (طاهری، ۱۴۱۸: ۱۴۲).

از این موضوع می‌توان با عنوان «سلامت مبیع» نام برد و از آن به عنوان یک اصل عقلی یاد کرد. مطابق این اصل، اطلاق عقد، مقتضی سالم و بدون عیب بودن مبیع است. اصل سلامت مبیع که در مقام ثبوت، مبنای ایجاد حق فسخ برای خریدار است، اصلی متناسب با منافع خریدار محسوب است. چون بر مبنای این اصل، فرض می‌شود که خریدار جاهل، قصد خرید مبیع معیوب را ندارد. حکم عرف و عقل نیز در جهت تفسیر اراده او با مصالح و منافع او هماهنگی دارد تا مبیع معیوب بر او تحمیل نشود؛ اما، همان‌گونه که اشاره شد، در مقام اثبات، خریدار باید وجود عیب مبیع را ثابت کند تا بتواند حق خود مبنی بر فسخ معامله یا اخذ ارزش را اعمال نماید. بی‌گمان، اثبات این موضوع آسان نیست. گویا به سبب همین

دشواری و احتمال ظلم در حق خریدار است که در خصوص اثبات عیب و ترجیح قول مشتری یا بایع میان فقیهان اختلاف شده است. برخی معتقدند: در صورت اختلاف بایع و مشتری درباره عیب مبیع، قول بایع مقدم است و با سوگند او دعوی خاتمه می‌یابد (انصاری، ۱۴۱۱، ۴۷۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۳/۲۸۶)؛ اما مخالفان، قول مشتری را مقدم داشته‌اند و به نظر ایشان، مشتری با قسم خود دعوی را فیصله خواهد داد (شهید ثانی، ۱۳۹۱، ۴۵۸/۶).

عقیده نخست عمدتاً بر پایه اصل سلامت مبیع- به عنوان یک اصل اثباتی- ابراز شده است و ریشه در اصل بنیادین «اصالة العدم الشيء» دارد (اراکي، ۱۴۱۴، ۳۷۶). طبق این نظر، اصل بر عدم عیب مبیع به هنگام عقد است. ما از این معنی با عنوان اصل «سلامت مبیع» یاد می‌کنیم؛ اما، نظر دوم که قول مشتری را مقدم می‌داند بر مبنای اصول و قواعدی جز اصل سلامت مبیع استوار است. یکی از این اصول، اصل عدم تسلیم مبیع بر وجه مقصود و بقای مالکیت مشتری بر ثمن است. مطابق این اصل، مالکیت خریدار بر ثمن باقی است و مالکیت او در ازای مبیع معیوب زایل نشده است و به اقتضای این اصل مبیع، معیوب به دست مشتری رسیده است و فروشنده باید میراً بودن مبیع از عیب و نقص را ثابت کند تا به تبع آن، زوال مالکیت خریدار بر ثمن لازم آید (شهید ثانی، ۱۳۹۱، ۶/۱۲۶ و ۴۵۸). بدیهی است، این اصل نیز از شاخه‌های اصل عقلی عدم است و مطابق آن، اصل بر عدم وصول حق مشتری است. به دیگر سخن، اصل این است که حق مشتری به دست وی نرسیده است، مگر اینکه ثابت شود که آنچه مشتری مستحق آن بوده به دست وی رسیده است و آنچه سبب عیب و نقص مبیع شده، بعد از رسیدن حق مشتری به دستش رخ داده است. در تأیید این نظر می‌توان گفت: اگر بپذیریم که به هنگام وقوع تراضی، شرط ضمنی مبنی بر سالم بودن مبیع وجود دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ۲۱۹)، حال هنگامی که خریدار ادعا می‌کند: شرط مزبور واقع نشده است؛ این گفته او موافق با اصل عدم و عدم حصول نتیجه شرط است و همین امر او را از آوردن دلیل بی‌نیاز می‌کند و بایع که گفته وی مخالف با اصل عدم تحقق اثر شرط است، باید مدعی قرار بگیرد و ادعای خود را مبنی بر ایجاد اثر شرط ثابت کند.

با وجود این، چنین استدلالی بیشتر فقیهان را قانع نکرده است. مشهور فقیهان امامیه بر این عقیده‌اند که اصل بر سلامت مبیع از عیب و نقص در زمان انعقاد عقد است و بر این مبنای، به هنگام اختلاف که ادله‌ای برای اثبات دعوا در دست نیست، قول مدعی عیب، خلاف اصل است و در نتیجه او باید بر این ادعای خود دلیل بیاورد (انصاری، ۱۴۱۱، ۲/۴۷۳). نویسندگان حقوقی نیز از این دیدگاه فاصله نگرفته‌اند.

چنان که برخی تصریح کرده‌اند: برای تحقق مسئولیت تولیدکننده، خواهان خسارت باید ثابت کند که عیب در چرخه تولید ایجاد شده و به هنگام عرضه به مصرف‌کننده موجود بوده است (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۲۱۲-۲۱۱).

باری، این عقیده، خواسته یا ناخواسته، به نفع فروشندگان تمام می‌شود و با توجه به مخالفت آن با فلسفه وضع قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، تبعیت از آن دشوار است. بی‌گمان، دشواری اثبات عیوب فنی و پیچیده کالاهای صنعتی و ناتوانی مالی مصرف‌کنندگان، قانون‌گذاران را ترغیب کرده است که از موضع قواعد سنتی عقب‌نشینی کنند. در حقوق قدیم فرانسه اثبات عیب کالا از سوی زیان‌دیده لازم دانسته شده بود. بند ۹ ماده ۱۳۸۶ قانون مدنی اصلاحی ۱۹۹۸ در این باره صراحت داشت (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ۱۹۰). لیکن، چنان که خواهد آمد، پس از تحولات قانونی به سال ۲۰۰۵ رویه قضایی این قاعده عمومی در مورد مسئولیت تولیدکننده اعمال نمی‌شود. در حقوق ایران نیز قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ متضمن نوآوری در این باره است. مطابق این قانون، در رابطه مصرف‌کننده و عرضه‌کننده کالا، مقتضای اطلاق عقد، سلامت مبیع از عیوب احتمالی نیست. بلکه قاعده ضمان بائع نسبت به عیوب مبیع و اصل عدم سلامت در این رابطه حاکمیت دارد.

۲-۲. اماره‌ی عدم سلامت مبیع و ضمان عرضه‌کنندگان

چنان که گذشت، دغدغه حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان قانون‌گذار ما را وادار کرده است تا قانونی مخصوص در این باره وضع کند. بیشتر نویسندگان، مقررات قانون حمایت از مصرف‌کنندگان را در مقام ثبوت مورد توجه و تفسیر قرار داده‌اند و به‌ویژه راجع به مبانی مسئولیت مدنی ناشی از عیب کالا بحث و اختلاف داشته‌اند. در این باره برخی معتقدند: در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان حکم صریحی مبنی بر مسئولیت محض عرضه‌کنندگان نسبت به خسارات ناشی از عیب کالا دیده نمی‌شود و عقیده به مسئولیت محض خلاف ظاهر ماده ۲ قانون مزبور است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۵، ۳۲۹-۳۲۸). لیکن مخالفان، در تفسیر و تحلیل مقررات ماده‌های ۲ و ۱۸ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، بر این عقیده‌اند که این احکام قانونی بر اساس نظریه «مسئولیت محض»^۱ به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، قابل توجیه است (عبدی‌پور و پرتو، ۱۳۸۹: ۸). دیگران نیز از این عقیده طرفداری کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ۱۹۸-۱۷۹) و بر آن افزوده‌اند: زیان‌دیده از عیب کالا باید ورود

^۱. Strict liability

ضرر، عیب کالا و رابطه سببیت میان آن دو را باید ثابت کند. لیکن، اثبات تقصیر عرضه‌کننده لازم نیست و به تعبیری تولید کالای معیوب عین تقصیر است و دیگر نباید خطای تولیدکننده را در فرایند تولید جست‌وجو کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۲۰۹).

اگرچه این عقیده بهره‌ای از حقیقت دارد اما، ناتمام است. در تکمیل آن می‌توان افزود: به موجب ماده ۲ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان: «کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، منفرداً یا مشترکاً مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه شده ... هستند...». طبق این مقرر نه فقط در موضع ثبوت حکم که در مقام اثبات نیز مسئولیت ناشی از عیوب کالا بر دوش عرضه‌کننده است و او ضامن صحت و سلامت کالا است. از این رو، مهم‌ترین جنبه حمایتی قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان را باید در ماده ۲ قانون مزبور جست‌وجو کرد که بر اساس آن، چنانچه خریدار مدعی وجود عیب در کالای مصرفی باشد، با ثبوت این ادعا^۱، فرض قانونی بر این است که عرضه‌کننده به تعهد خود مبنی بر تحویل کالای سالم عمل نکرده است و کالای معیوب به دست خریدار سپرده است. از این رو، مطابق ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان وجود عیب در مبیع، اماره بر این است که کالا سالم به دست خریدار نرسیده است. مگر اینکه عرضه‌کننده ثابت کند که به تعهد خود مبنی بر تسلیم کالای سالم وفا کرده است.^۲

اگرچه این تغییر موضع قانونی و انحراف از قواعد سنتی به تصریح در قانون دیده نمی‌شود اما، از نحوه بیان ماده ۲ و لحن آن به خوبی برمی‌آید که قانون‌گذار در مقام بازگویی قواعد سنتی و تکرار آن‌ها نیست. زیرا، چنانچه از مصرف‌کننده حمایت قانونی در مقام اثبات نشود، حمایت از حقوق او در مقام ثبوت و احکام ماهوی فایده‌ای نخواهد داشت. اگر مصرف‌کننده علاوه بر اثبات عیب کالا ملزم به اثبات وجود عیب مبیع به هنگام عقد باشد، حمایت مؤثری از او نشده است. زیرا اثبات زمان ایجاد عیب به مراتب از

۱. البته در مقام اثبات عیب نیز باید به یاری مصرف‌کننده شتافت. بدین منظور برخی نویسندگان پیشنهاد کرده‌اند: «اثبات عیب کالا نباید چندان دشوار باشد... صرف ایجاد حوادثی که عامل آن ناشناخته است، اماره عیب کالا است» (عبدی‌پور و پرتو، ۱۳۸۴، ۸).

۲. برخی نویسندگان به این تعهد عرضه‌کننده اشاره کرده‌اند ولی به آثار آن از جنبه اثباتی نپرداخته‌اند و این بحث را فقط از جنبه ثبوتی تبیین کرده‌اند. به نظر آنان: «تولیدکننده نه تنها موظف است کالای سالم به مصرف‌کننده تحویل دهد، متعهد است از خطرهای احتمالی و قابل پیش‌بینی نیز احتراز کند و در این باره اطلاعات و هشدارهای لازم را به مصرف‌کنندگان بدهد و کالای بی‌خطر عرضه کند (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۲۱۲).

اثبات وجود عیب دشوارتر و گاه غیرممکن است. گویا همین امر، قانون‌گذار را قانع کرده است که در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان از اصل مرسوم سلامت مبیع فاصله بگیرد. بر این مبنا، منظور از حکم ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مبنی بر اینکه: «... کلیه عرضه‌کنندگان... مسئول صحت و سلامت کالا... هستند» این است که از سویی، عرضه‌کننده مسئول و ضامن عیب کالا به لحاظ حق فسخ خریدار و یا پرداخت ارزش است (مرحله ثبوت) و از سوی دیگر، همو موظف و مکلف است به هنگام طرح دعوی مصرف‌کننده، اثبات کند که مبیع به هنگام عقد بدون عیب بوده و به صورت سالم به قبض مشتری در آمده است و همچنین، عیبی که مشتری وجود آن را ثابت کرده، جزو عیوب مربوط به تولید نیست و ارتباطی به گذشته ندارد؛ بلکه در اثر علل و عواملی دیگر حادث شده است (مرحله اثبات).

ممکن است ایراد شود: پیشرفت‌های علمی و فنی امروز به حدی است که اثبات عیوب کالاها با تعیین زمان دقیق و علت حدوث عیب میسر است. از این رو، بدون نیاز به رجوع به اصول عملی و قواعد عقلی، احقاق حقوق مشتری ممکن و محقق می‌شود. پس عملاً ضرورتی نیست تا به محدود کردن اصول اثباتی و معکوس شدن بار اثبات بیااندیشیم. با وجود این، باید گفت: رجوع به خبره و کارشناس در جریان رسیدگی به دعوی و یا پیش از آن و به صورت تأمین دلیل، نیازمند پرداخت دستمزد کارشناس و تحمل هزینه‌های احتمالی دیگر است؛ و تحمیل این هزینه‌ها به مصرف‌کنندگان که وضعیت اقتصادی ضعیف دارند، مغایر با اهداف حمایتی قانون‌گذار است.

۳-۲. تحولات اجتماعی و دگرگونی مبنای اصل سلامت مبیع

افزون بر استدلال‌های حقوقی که بیان شد، از تحولات اجتماعی و دگرگونی‌هایی که در مبانی عقلی و عرفی اصل سلامت مبیع رخ داده است، نباید غافل ماند. در زمان‌های گذشته، مورد معامله عمدتاً از اموال غیرمنقول و یا کالاهایی مانند میوه و حیوان بود که همگی آفریده‌های خداوند و محصول طبیعت هستند. باین جهت در پدیدآوردن این اشیاء و محصولات نقشی نداشته یا حداکثر تأثیر جزئی و غیرمستقیم دارد، علم و اطلاعی هم از اسرار و رموز و اوصاف و کیفیات آن‌ها ندارد. لیکن، در دنیای تجارت و صنعت امروز عرضه‌کنندگان محصولات تولیدی، از ظاهر و باطن آنچه که خود ساخته‌اند و یا از دیگران خریده‌اند، بنا به ضرورت‌های حرفه‌ای و شغلی، کاملاً آگاه هستند. بر این مبنا است که در حقوق برخی کشورها

هم چون آمریکا، ندادن اطلاعات و هشدارهای لازم به مصرف‌کننده نوعی عیب خطرناک تلقی شده و موجب مسئولیت عرضه‌کننده دانسته می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۲۱۲).

در مقابل، اطلاع از اوصاف یا عیوب کالاها، تولیدی و خدمات حرفه‌ای به دلیل وجود مسائل علمی و فنی از عهده اشخاص عادی و مشتریان غیرحرفه‌ای خارج است. به همین جهت، شایسته نیست که شخص ملزم به اثبات چیزی باشد که عرفاً امکان تحصیل علم درباره آن ندارد. پس طبیعی است که قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان درصدد برآید تا از طرف ضعیف حمایت کند و برای تحقق کامل حمایت‌های خود، از اصل سنتی سلامت مبیع بازگردد. به‌ویژه که همان‌گونه که گذشت، اصل مزبور در میان فقیهان اجماعی نیست و مخالفانی سرشناس دارد.

گذشته از این واقعیات اجتماعی، از مبانی عقلی و فلسفه احکام نیز می‌توان یاری گرفت. بی‌تردید، در نظر فقیه مسلمان اصول و مبانی احکام مرتبط و هماهنگ با یکدیگر است. به اعتقاد او: «برای بایع جایز نیست که زیاده از نیاز خود از مؤمنین سود بگیرد و باید به قدر نفقه یک روز خود و روزی خواران خود از مردم به صورت مساوی و یا غیرمساوی سود دریافت کند» (شهید ثانی، ۱۳۹۱، ۶ / ۱۵۱-۱۵۰). نیز باید با حسن نیت نسبت به منافع مسلمین و در جهت رفع حوائج آن‌ها رفتار کند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۹۹-۱۹۴). با توجه به چنین باور و پیش‌فرض ذهنی است که فقیه اندیشمند، به استناد اصل سلامت مبیع به هنگام عقد، به یاری بائع می‌شتابد. زیرا اگر قرار باشد از یک طرف بایع سود نگیرد و از طرف دیگر، با اینکه به مصلحت مؤمنین رفتار کرده است، ملزم به اثبات سلامت کالا و حسن نیت خود باشد، ظلم در حق او می‌شود و پسندیده نیست؛ اما، در روابط تجاری کنونی آنچه برای فروشندگان اهمیت دارد، تحصیل سود است و همین امر توان رقابت تجاری را برای بازرگانان ممکن می‌سازد و بقای آن‌ها را در صحنه بازار تضمین می‌کند. به همین جهت، در دنیای امروز برقراری توازن میان حقوق مصرف‌کننده و عرضه‌کننده بدون توجه به این مهم ممکن نیست. همان‌گونه که برخی نویسندگان دریافته‌اند: در بازار امروز، عرفی در حال شکل‌گیری و تقویت است که به موجب آن، هر کس در پی کسب سود بیشتر است، مناسب‌ترین شخص برای تحمّل بار اثبات دعاوی است (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۱۹۵). در نتیجه، با قرار دادن کسب سود در مقابل مسئولیت، نوعی تعادل میان حق‌ها به وجود می‌آید.

لیکن، اگر قرار است که مصرف‌کننده ملزم به اثبات اسباب و موجبات عیب مبیع و زمان حدوث عیب باشد، شایسته است که عرضه‌کننده نیز از کسب سود صرف‌نظر کند؛ و این امر غیرممکن است. در مقابل،

ایجاد مسئولیت و تکلیف بیشتر برای عرضه‌کنندگان، گذشته از ایجاد تعادل بین حق‌ها، مزیت دیگری نیز دارد. تجربه نشان داده است که عدم مسئولیت عرضه‌کنندگان به‌ویژه، عرضه‌کنندگان داخلی در قبال کالاهای خود، منجر به رواج عدم احساس مسئولیت و در نتیجه، ضعف اقتصاد و صنایع داخلی و به تبع آن سلطه کالاهای خارجی بر اقتصاد کشور شده است. گویا، به‌منظور مقابله با چنین پیامدهای ناگوار در چرخه تولید و صنعت بوده است که قانون‌گذار ما مقارن با تصویب قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷ - که بخش عمده مقررات آن راجع به رقابت تجاری است - قواعد راجع به مسئولیت عرضه‌کنندگان کالا را تصریح و تشریح کرده است.

گذشته از این‌ها، در روزگار ما نشانه‌هایی از بی‌اعتباری اصل سلامت مبیع و بی‌اعتنایی به این اصل در عرف معاملات دیده می‌شود. چنان‌که اغلب عرضه‌کنندگان ضمانت تعویض و یا جبران خسارت کالاهای خود را در قالب اسناد ضمانتی قید می‌کنند. قانون‌گذاران نیز به تنظیم و تعیین احکام مرتبط علاقه نشان داده‌اند. به‌گونه‌ای که در قوانین جدید مقررات مفصلی در مورد ضمانت کالاها و علی‌الخصوص حقوق مصرف‌کنندگان راجع به تعمیر، تعویض و سایر شروط مندرج در اسناد ضمانتی پیش‌بینی شده است (consumer rights act, u.k, 2015, chapter 30). به‌موجب مفاد اسناد یاد شده و مقررات حاکم بر آن‌ها، مسئولیت این احتمال که کالا در هنگام قرارداد دارای عیب باشد، به عهده‌ی تولیدکننده نهاده شده است. به‌علاوه، اگر در مدت معین نیز عیبی در مبیع پیدا شود، عرضه‌کننده در قبال آن مسئول است.

۲-۴. هماهنگی با نظام‌های حقوقی پیشرفته

در حقوق فرانسه، قاعده «ضمان قانونی» از عیوب مبیع مشهور است. مطابق این قاعده از هر فروشنده و به‌ویژه فروشنندگان حرفه‌ای انتظار می‌رود که جنس فروخته‌شده از هرگونه عیب مصون بوده و برای استفاده موردنظر مناسب باشد. باینکه به‌موجب قانون مکلف است این موضوع را در حین فروش کالا گارانتی و تضمین نماید. البته اجرای این قاعده شرایطی دارد. از جمله اینکه، عیب باید در حین عقد از دید خریدار مخفی مانده باشد. بنابراین اگر باینکه ثابت کند که خریدار عالم به عیب بوده است، تکلیفی در برابر او ندارد. محاکم فرانسه عیبی را که خریدار صلاحیت و تخصص لازم حرفه‌ای در جهت کشف آن را نداشته باشد، نیز مخفی قلمداد کرده‌اند و مهم‌تر اینکه، در رویه قضایی آن کشور، وجود عیب در کالاها، اماره علم فروشنندگان حرفه‌ای تلقی شده و در نتیجه، بار اثبات ادعا بر دوش باینکه و عرضه‌کننده قرار

می‌گیرد و او باید ثابت کند که در هنگام بیع، کالا سالم بوده است. بنابراین، عرضه‌کننده می‌تواند با اثبات اینکه عیب در زمان عرضه و انتقال وجود نداشته و پس‌از آن ایجاد شده است، اماره مسئولیت را از خود دفع کند (Tournafond, 2001, p. 135؛ نقل از: دیانی، ۱۳۸۶، ۱۳۵ و بعد).

در قوانین فرانسه، علاوه بر مسئولیت قانونی، امکان پیش‌بینی «تضمین قراردادی»^۱ نیز به نفع مصرف‌کننده پذیرفته است. از این رو، گذشته از عیوب مخفی موجود در هنگام بیع، عیوب آشکار یا عارض پس از عقد نیز می‌تواند به موجب شروط ضمن عقد، مورد تعهد بایع قرار گیرد. دادگاه‌های فرانسه ضمانت قراردادی را اماره وجود عیب در هنگام عقد می‌دانند و خریدار را از اثبات این امر معاف می‌کنند. در صورت فقدان شرط تضمین نیز، به موجب مقررات جدید، در یک مدت شش‌ماهه بعد از تحویل کالا، اماره سبق وجود عیب پیش‌بینی شده است. لذا بایع باید عدم سبق وجود عیب بر زمان تحویل را به اثبات برساند (Bourgoignie, 2006, 109).

در حقوق انگلیس به موجب قانون راجع به حقوق مصرف‌کننده مصوب ۲۰۱۵، کالاها باید حسب مورد برای اهداف خاص و موردنظر مناسب بوده و کیفیت رضایت بخشی از نظر یک شخص معقول داشته باشند.^۳ نیز به موجب همین قانون شرط کلی کیفیت رضایت بخش کالا به‌عنوان یک امر عرفی در قرارداد مدنظر قرار می‌گیرد^۴ مولفه‌هایی نیز که برای کیفیت رضایت بخش کالا مقرر شده است عبارت‌اند:

۱- کالا برای تمام امور و اهدافی که برای آن‌ها تولید شده، مناسب باشد^۵؛

۲- ساختار کامل و تمام‌شده‌ای داشته باشد^۶؛

۳- عاری از کوچک‌ترین عیب باشد^۷؛

۴- بی‌خطر و ایمن باشد^۸ و

۵- دارای دوام و بقا باشد^۹.

¹. warranty

². Consumer rights act 2015.

³. Consumer rights act, uk, 2015, chapter 9 (3), (c).

⁴ Consumer rights act, uk, 2015, chapter 8(3).

⁵. fitness for all the purposes for which goods of that kind are usually Supplied.

⁶. Appearance and finish

⁷. Freedom from minor defects

⁸. Safety

⁹ Durability

افزون بر این، به موجب قانون حقوق مصرف‌کننده^۱، در صورت تخلف از شرط کیفیت رضایت‌بخش کالا و به‌ویژه، معیوب بودن آن، ضمانت اجراها، به‌گونه‌ای مقرر شده است که مصرف‌کننده حسب مورد بتواند تعمیر و یا تعویض کالا را بخواهد و یا از قیمت کالا بکاهد و یا در یک مهلت زمانی کوتاه‌مدت جهت امتحان و آزمایش کالا اقدام کند و یا به‌کلی بتواند آن را رد کند. آنچه که مهم است و در حقوق انگلیس شایسته است مورد توجه قرار بگیرد، مطرح شدن عیب کالا به‌عنوان شرط اجباری ضمن عقد است که ناگزیر، قرارداد منعقد بین عرضه‌کننده و مصرف‌کننده مشمول آن خواهد بود. در این زمینه مصرف‌کننده به صرف تخلف عرضه‌کننده از شرط مزبور و اثبات اینکه کالا درحالی‌که دارای عیب و نقص بوده به دست وی رسیده است، می‌تواند حسب مورد حقوق خود را در قبال عیب و نقص کالا اعمال کند بدون اینکه لازم باشد در این زمینه شرط تقصیر عرضه‌کننده و یا زمان حدوث عیب را که از موضوعات دشوار دادرسی است اثبات کند.

اندیشه‌های حقوقی بیش از این، به یاری مصرف‌کننده شتافته است. با پیدایش تئوری «اصل احتیاط در مسئولیت مدنی»^۲ در دهه‌های اخیر، دانایان حقوق به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توان در حوزه‌هایی از مسئولیت مدنی که شخص زیان‌دیده ضعیف و نیازمند حمایت است، بار اثبات دعوا از دوش او برداشت و برعهده‌ی طرف دیگر نهاد (حیاتی، ۱۳۹۳، ۲۰۲). بر این مبنا، با ثبوت عیب کالای تولیدی، اماره‌ی رابطه سببیت بین عیب و فعل تولیدکنندگان برقرار می‌شود و برای دفع این فرض حقوقی، تولیدکننده باید ثابت کند که بین فعل او و عیب موجد خسارت وارده رابطه‌ی سببیتی وجود ندارد.

۵. طرح یک مسئله و پاسخ آن: امتحان مبیع در زمان تسلیم و تأثیر آن بر مسئولیت بائع امروزه یکی از عرف‌های رایج بین فروشندگان، امتحان و آزمایش مبیع به هنگام تسلیم به مشتری است. در نظر بیشتر نویسندگان، چنانچه مبیع هنگام تسلیم به خریدار امتحان شود، این اختیار و آزمایش مبیع نشان از سالم بودن مبیع و عاری بودن آن از عیب و نقص است؛ و در این صورت، اگر مشتری ادعا کند که مبیع حین‌العقد و یا پیش از تسلیم، دارای عیب و نقص بوده است، باید این ادعای خود را ثابت کند؛ زیرا گفته او خلاف ظاهری است که با امتحان مبیع ایجاد شده است و ظاهر - امتحان مبیع - بر اصول عملیه مقدم است (کاتوزیان، الف، ۱۳۹۰: ص ۲۶۳ و ۳۷۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۶؛ محقق حلی، ۱۴۱۸:

^۱. Consumer rights act, uk, 2015, (chapter 19 - 24)

^۲.The precautionary principle.

۱۲۶). به دیگر سخن، هنگامی که مبیع در حضور مشتری امتحان می‌شود، اماره و ظاهری مبنی بر سلامت مبیع به وجود می‌آید (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۰۵) و چنان‌که می‌دانیم، امارات قضایی بر اصول عملی و اماره قانونی مقدم هستند.

چنان که پیش‌تر اشاره شد، رواج چنان رویه‌ای به‌طور ضمنی دلیل بر بی‌اعتباری اصل سلامت مبیع در عرف امروز است و موجب تقویت مبانی نظری اماره عدم سلامت مبیع می‌شود. با وجود این، از آنجا که پذیرش آثار حقوقی رویه عملی یادشده و اجرای آن در رابطه مصرف‌کننده و عرضه‌کنندگان، موجب تضییع حقوق مصرف‌کننده است، التزام به آن دشوار است. بی‌گمان، حقوق مصرف‌کننده محدود به مقام ثبوت حق نیست و در مرحله اثبات نیز لازم‌الرعايه است. به همین دلیل، باور به ایجاد اماره قضایی به ضرر مصرف‌کننده و تحمیل بار اثبات دعوا بر او که در پی اقدام عرضه‌کننده واقع می‌شود، از حمایت‌های قانونی او می‌کاهد و مغایر قانون است. از این‌رو، باید پذیرفت که در رابطه مصرف‌کننده و عرضه‌کننده، در صورتی که کالای فروخته شده به هنگام عقد و در حضور مشتری امتحان می‌شود، عدم بروز عیب و نقص در این زمان، نباید دلیل بر سلامت مبیع از عیوب مربوط به تولید تلقی شود. بلکه در این فرض نیز، بائع باید ثابت کند که کالای او سالم و عاری از عیب بوده و به عللی که مربوط به او نیست، دچار نقص و عیب شده است و گرنه با قبول قول بائع در این مورد، به‌طور غیرمستقیم به نتیجه‌ای مشابه با اثر شرط تبرّی از عیوب مبیع خواهیم رسید. چه تفاوتی است بین اینکه بائع مسئولیت عیوب مبیع را از عهده خود سلب کند و اینکه بار اثبات عدم عیب را از دوش خود بردارد؟ به ویژه که همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، اثبات عیب ناشی از تولید آسان نیست و در بیشتر موارد غیرممکن است. به‌علاوه، ممکن است بسیاری از عیوب مبیع حتی در صورت اختبار و آزمایش آن ظاهر نشوند و هم‌چنان مخفی بمانند. از این‌رو، حتی در مورد قراردادهای تجاری و مدنی که مصرف‌کننده‌ای در میان نیست، نمی‌توان به دستاویز آزمایش مبیع به هنگام عقد یا تسلیم، از حقوق مشتری کاست. مطابق ماده ۴۲۴ قانون مدنی، کافی است که مشتری به وجود عیب آگاه نشده باشد و در این صورت تمام حقوق قانونی خود را حفظ می‌کند.

دستاورد

مطابق عقیده مشهور فقیهان امامیه که مقررات قانون مدنی ما بر مبنای آن تفسیر می‌شود، به هنگام اختلاف بر سر عیب و سلامت مبیع، اصل سلامت مبیع در تمیز مدعی از منکر راهنما قرار می‌گیرد و بر این مبنای

قول مشتری که مدعی عیب مبیع است، خلاف اصل محسوب شده و از او بی‌بینه و دلیل مبنی بر وجود عیب به هنگام عقد خواسته می‌شود و اگر دلیلی در بین نباشد، با سوگند بایع حکم به نفع او داده می‌شود. لیکن، حسب مقررات قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و به‌ویژه مطابق ماده ۲ قانون مزبور، در راستای حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، در موضع اختلاف بر سر عیب مبیع، اماره قانونی عدم سلامت مبیع حاکم است و بر مبنای آن، در مقام اثبات و ادعای عیب مبیع، قول مصرف‌کننده باید مقدم داشته شود. بی‌گمان، ماده ۲ مزبور که مقرر داشته است: «کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، منفرداً یا مشترکاً مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه شده ... هستند...» تاب این تفسیر را دارد که گفته شود: عدم سلامت مبیع به هنگام عقد یا تسلیم مفروض است، مگر اینکه سلامت مبیع از عیوب مربوط به فعل بایع، از سوی او ثابت شود. چنین رویکردی نه تنها با حقوق کشورهای صنعتی و پیشرفته هماهنگی دارد، مراد قانون‌گذار را در جهت حمایت مناسب از حقوق مصرف‌کنندگان برآورده می‌سازد.

فهرست منابع

- اراکي، محمدعلي. (۱۴۱۴). الخيارات، چاپ اول. قم: مؤسسه در راه حق.
- امامی، سید حسن. (بدون تاریخ). حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامیة حیاتی، دکتر علی عباس (۱۳۹۳)، «مفهوم «اصل احتیاط» و جایگاه آن در مسئولیت مدنی»، پژوهشنامه‌ی حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۴۰)، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۲۰۶-۱۸۵.
- حلی، علامه. (۱۴۱۴). تذکره الفقها (ط - الحدیثه)، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- خمینی، سید مصطفی. (۱۴۱۸). الخيارات، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- خویی. سید ابوالقاسم. (۱۴۱۰). منهاج الصالحین، قم: نشر مدینه العلم.
- دیانی، دکتر عبد الرسول. (۱۳۸۶). «مقایسه مقررات مربوط به خیار عیب در فقه، قانون مدنی، حقوق اروپایی و حقوق فرانسه»، فصلنامه حقوق: مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۳ پاییز، صص ۱۵۳-۱۲۷.
- شهید ثانی. (۱۳۹۱). شرح اللمعه، ترجمه علی شیروانی و مسعود عباسی. تهران: مؤسسه انتشارات دارالعلم.
- شیخ انصاری. (۱۴۱۱). الكتاب المكاسب، ط - القديمه، قم: منشورات دار الذخائر.
- صفایی، سید حسین و حبیب‌الله رحیمی. (۱۳۹۵). مسئولیت مدنی؛ الزامات خارج از قرارداد، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.
- طاهری، حبیب‌الله. (۱۴۱۸). حقوق مدنی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عبدی‌پور، ابراهیم و حمیدرضا یرتو. (۱۳۸۹). «قانون حمایت از مصرف‌کنندگان گامی به جلو...»، آدرس سایت: www.h-partow.com تاریخ مراجعه: ۹۶/۶/۱۴.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۰). قواعد عمومی قراردادها، چاپ ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۴). «حمایت از زیان‌دیده و مسئولیت تولیدکننده در حقوق فرانسه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۶۸، تابستان، صص ۱۹۸-۱۷۹.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۸). «تحول مفهوم تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی، فصلنامه حقوق»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۱، بهار، صص ۲۱۴-۱۸۹.
- کاتوزیان، ناصر، الف. (۱۳۹۰). اعمال حقوقی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر، ب. (۱۳۹۰). اموال و مالکیت. چاپ سی و پنجم. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۱). مسئولیت مدنی؛ ضمان قهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محقق حلی. (۱۴۰۸). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

محقق حلی. (۱۴۱۸). المختصر النافع فی فقه الامامیه، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیہ.
موسوی، سیدفضل رحمته؛ موسوی، سیدمهدی؛ محمدحسین وکیلی مقدم و مهدی غلامی. (۱۳۹۱). «مطالعه تطبیقی
اصول تفسیر قرارداد»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی. شماره ۱، صص ۲۱۳-۱۸۹.
نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار الحیاء التراث العربی.

ب) انگلیسی و فرانسه

Bourgoignie, Thierry, (2006), Regards croises sur les enjeux contemporains dus droit dela
consommations, Yvon Blais ,Canada.

Corley, Robert, (1989), pricipels of business law, prints hall.

consumer rights act ,uk., 2015.

Directive 44/1999/CE of the European parliament and of the council of 25 may 1999 on certain
aspects of the sale of goods and associated guarantees.

Keith,N. Hylton, (2006), Duty on tort Law, Cambridge university .

Tournafond, (2001), La transposition de la directive de 1999.paris

